

## هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

### در قبال تحولات بحرین

غلامرضا خواجه سروی<sup>۱</sup> لیلا رحمتی پور<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۸/۲۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۴/۲۲

#### چکیده

بیداری اسلامی تأثیرات وسیعی بر تعاملات سیاسی و امنیتی منطقه خلیج فارس گذاشته، به نحوی که محورهایی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت شکل‌دهی تحولات به نفع خود در مقابل یکدیگر صف‌بندی کرده‌اند. این حادثه نقطه عطفی در شکل‌گیری ساختار جدید نظام منطقه‌ای خاورمیانه به حساب می‌آید، زیرا از یک سو به تغییر و جابجایی نقش، تأثیرگذاری و منافع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی منجر گردیده و از سوی دیگر ائتلاف‌های جدیدی را در سطح منطقه به همراه داشته است. در این میان آنچه حائز اهمیت است این است که هرچند خیزش‌های جهان عرب در تمام این کشورها با منافع و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است، با این حال میزان پیوند و تأثیرگذاری تحولات هر یک از کشورها بر سیاست خارجی ایران تفاوت‌هایی دارد. برخی از تحولات جهان عرب در محیط امنیتی بلافصل یا همسایگی جمهوری اسلامی ایران مانند بحرین به وقوع پیوسته‌اند و به طور قطع به گونه‌ای مستقیم‌تر و گسترده‌تر منافع امنیتی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این میان نظریه‌سازان‌نگاری می‌تواند به توجیه و تحلیل رخدادهای منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه (بهار عربی) و سیاست خارجی ایران در برابر تحولات بحرین بپردازد؛ چرا که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال تحولات اخیر منطقه در درجه اول متکی بر هویت، امنیت و منافع ملی قابل تبیین است. لذا نظر به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی تحلیلی به تشریح و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین بپردازد.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، سازه‌انگاری، جمهوری اسلامی ایران، بیداری اسلامی، بحرین

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه طباطبایی

نویسنده مسئول؛ leilarahmati4@gmail.com

۲. دانش آموخته دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

## مقدمه

خیزش مردمی در بحرین که پس از تحولات و انقلاب‌های تونس و مصر در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ آغاز شد و با سرکوب و رویکرد خشونت آمیز حکومت آل خلیفه مواجه شد، به ایجاد بحران سیاسی مهمی در این کشور منجر شده است. بحران بحرین به دلیل موقعیت خاص این کشور و منافع ملاحظاتی بین المللی و منطقه‌ای عمده در قبال تحولات آن، باعث شکل گیری واکنش‌ها و رویکردهای مختلف به خصوص از سوی بازیگران منطقه‌ای شد. هر چند که بحرین از نظر وسعت جغرافیایی، میزان جمعیت مولفه‌های اقتصادی در موقعیت ممتازی در سطح منطقه نیست و کشوری کوچک در خلیج فارس محسوب می‌شود، اما ویژگی‌های خاص و پیوند آن با منافع و سیاست بازیگران مهمی مانند آمریکا، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران، به تحولات و بحران این کشور اهمیت بالایی می‌دهد. حضور ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین و پیوندهای سیاسی و امنیتی دو کشور، مجاورت جغرافیایی بحرین با عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس و روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بحرین و عربستان سعودی و تعاملات خاندان‌های حاکم بر این دو کشور و همچنین اکثریت شیعی جمعیت بحرین و مجاورت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی آن با جمهوری اسلامی ایران از جمله مشخصه‌های بحرین است که تحولات این کشور را مهم ساخته و باعث شده تا بازیگران مختلف با توجه به اهداف و منافع خود به اتخاذ رویکردهای متناسب در قبال این بحران پردازند. هرچند اغلب تحولات منطقه‌ای جدید خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ واجد اهمیت و ابعاد بین المللی و به خصوص منطقه‌ای هستند، اما با توجه به اینکه بازیگران داخلی بحران بحرین یعنی حکومت و گروه‌های اپوزسیون از توان بازیگری و نقش آفرینی کمتری در مقایسه با سایر بحران‌های خاورمیانه و شمال آفریقا برخوردار هستند، سیاست‌ها و رویکردهای بازیگران تأثیرگذار بیرونی نقش برجسته تری در تعیین روند تحولات این کشور دارد. به عبارت دیگر حل و فصل بحران بحرین بیش از آنکه به نوع عملکرد حکومت و گروه‌های داخلی این کشور وابسته باشد، با نوع رویکردها و اقدامات بازیگرانی نظیر عربستان سعودی، آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در پیوند قرار گرفته است. براین اساس رویکرد بازیگران خارجی در قبال تحولات بحرین نسبت به

سایر کشورهای دچار بحران، از تأثیرگذاری و تعیین کنندگی به مراتب بالاتری بر روند و نتایج بحران است و از این رو شناخت رویکرد بازیگران بین المللی و منطقه‌ای در قبال بحران اهمیت گسترده تری می‌یابد. نوشتار حاضر در پی بررسی و تبیین رویکرد یکی از مهم ترین بازیگران منطقه‌ای یعنی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین است و در این راستا معتقد است که این بازیگر منطقه‌ای با توجه به تفاوت اهداف و منافع در قبال بحرین و همچنین تفاوت سطوح پیوند سیاسی و امنیتی و همچنین مجاورت جغرافیایی و پیوند ژئوپلیتیک خود با این کشور، رویکرد متفاوت و متعارضی در مقایسه با همتای منطقه‌ای خود یعنی عربستان سعودی در قبال بحران بحرین اتخاذ کرده است. لذا پژوهش حاضر درصدد است به این پرسش اصلی پاسخ دهد که اولاً سیاست خارجی ایران در قبال تحولات بحرین متأثر از چه عواملی است و ثانیاً سیاست خارجی ایران در قبال این تحولات چیست؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه‌ای که در چارچوب نظریه سازه‌انگاری مطرح می‌شود این خواهد بود که اولاً سیاست خارجی ایران در تحولات بحرین متأثر از منافع هویتی و ارزشی آن است و ثانیاً سیاست خارجی ایران در قبال این تحولات حمایت از جنبش‌های مردمی و در عین حال رویکردی محافظه کارانه در منطقه است. چرا که شواهد عینی نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در بحرین بعد از وقوع بیداری اسلامی رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی موثر در این کشور است. ایران زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای نصاب محبوبیت خود در میان افکار عمومی را فراهم ساخته است. با آگاهی از این واقعیت‌ها جمهوری اسلامی ایران از ابتدای وقوع تحولات انقلابی بحرین تلاش داشته تا با استفاده از منابع و مولفه‌های قدرت نرم که خود ناشی از منابع هویتی و فرهنگی است، بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد. این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از بحرین جدید به عنوان کشوری است که از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی با آن اشتراک دارد. این سیاست سعی دارد با کم رنگ کردن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی دو کشور را به مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند. (مظفری، ۱۳۸۴: ۱۱۲) لذا از میان نظریات مطرح شده در عرصه روابط بین الملل سازه‌انگاری به عنوان نظریه‌ای که توجه

ویژه ای به موضوعات قرابت های مذهبی، فرهنگی و هویتی و تاثیر و انعکاس آن بر سیاست خارجی کشورها دارد به عنوان نظریه منتخب پژوهش حاضر در نظر گرفته شد. سازه انگاران بر خلاف واقع گرایان، تنها به کارکردهای ابزارگونه ی آن در سیاست خارجی بسنده نمی کنند؛ بلکه در وجه ایجابی به نقش مذهب به عنوان یک متغیر مستقل در ایجاد یکپارچگی ملی و عامل ثبات سیاسی بین المللی می پردازند. این تلقی سازه انگارانه از جایگاه و تاثیر هنجارهای دینی امروزه به طور خاص منزلت ایدئولوژیک ایران در بعد بیرونی به ویژه در سطح افکار عمومی منطقه و الگودهی به جنبش های اسلام گرا را توضیح می دهد. در واقع ایران از این طریق درصدد بر آمده تا از طریق این مولفه ها برای اثرگذاری بر تحولات بحرين بطور اخص و معادلات منطقه بطور اعم استفاده کند و در این راستا تلاش کرد مردم این کشور به حقوق ضایع شده خود دست یابند (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۳). لذا پژوهش حاضر ضمن بررسی چارچوب نظری تحقیق که در قالب نظریه سازه انگاری بررسی می گردد به بررسی تحولات بحرين خواهد پرداخت و نهایتاً بررسی سیاست خارجی ایران در قبال تحولات بحرين موضوع نهایی بررسی پژوهش حاضر خواهد بود.

#### ۱. چارچوب نظری: سازه انگاری

سازه انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین الملل در جامعه شناسی مطرح بوده است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکی از نظریه های اصلی روابط بین الملل تبدیل شده است. این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می کند که همه کنش های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می دهد (Valasek, 2010: 45). مهم ترین خصیصه متمایز سازه انگاری در قلمرو هستی شناختی است. سازه انگاری سیاست بین الملل را بر اساس یک هستی شناختی رابطه ای می بیند و به عوامل فکری مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره ها بها می دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۲۴). از منظر سازه انگاران، محیط اجتماعی، زیست شناسی و فیزیکی که انسانها در آن زندگی می کنند خالی از معناست تا اینکه انسانها معنایی بر آنها بار کنند (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۳۲۶). از نظر ونت

انگاره های غیرمادی شرایط مادی را هدایت کرده و شرایط مادی زندگی اجتماعی را شکل و تحت الشعاع قرار می دهند (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

توجه سازهانگاران از یک سو به ایده ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه ها و تاکید آنها بر نقش عوامل فکری است که آنها را در برابر مادی گرایی حاکم بر جریان اصلی در روابط بین الملل قرار می دهد و در عین حال به دلیل پذیرش اهمیت واقعیت مادی آنها را از پساساختارگرایان متمایز می سازد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸). لذا در یک دیدگاه بینابین، موجودیت های اجتماعی اگر بعد مادی هم داشته باشند یک جنبه گفتمانی نیز دارند. یعنی جدا از دلایل و فهم کنشگران نیستند اما در عین حال، به این معنا نیست که قابل تقلیل به فهم این کارگزاران می باشند و همانگونه عمل می کنند که آنها می پندارند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۶). ونت نیز در کتاب خود، نظریه سازهانگاری را نوعی "ایدئالیسم ساختاری" می داند. بعد ایدئالیستی آن به این معناست که معتقد است ساختارهای اجتماعی، محصول انگاره های مشترک انسانی است و بعد ساختاری آن به این معناست که معتقد است نهادها و قواعد مستقر (ساختارها) دارای سرشتی عینی و محدودکننده برای بازیگران هستند (ونت، ۱۳۸۴: ۸۰-۹). برای سازهانگاران سازه های تمدنی، عوامل فرهنگی و هویت های دولتی با اینکه چگونه به منافع دولت ها شکل می دهند مهم اند. این عوامل نوعی جهان بینی ایجاد کرده و بر الگوهای تعامل بین المللی اثر می گذارند (خضری، ۱۳۸۹: ۸۱). بدین ترتیب، هویت ها به این اشاره دارند که کنشگران کیستند یا چیستند و منافع به آنچه کنشگران می خواهند اشاره دارند. هویت و منافع در ارتباط با هم هستند. هویت ها بدون منافع فاقد هر نوع نیروی انگیزشی هستند. بدون هویت ها، منافع جهت ندارند، بنابراین این دو نقش های مکملی دارند. (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۷-۳۲۶) از این روی، هویت هر دولت تلویحا گویای ترجیحات و کنش های بعدی آن دولت است. هر دولت بر اساس هویتی که به دیگران نسبت می دهد آنها را می شناسد و همزمان از طریق عمل اجتماعی روزمره اش هویت خود را بازتولید می کند. نکته مهم اینجاست که آنکه هویتی را می سازد بر معنایی نهایی که آن هویت برای دیگران پیدا می کند کنترلی ندارد. داور نهایی معنا ساختار بیناذهنی است (هوپف، ۱۳۸۶: ۴۵۵ و ۴۵۶).

از دیگر مفروضات این نظریه تاکید بر تعامل ساختار و کارگزار است. اعمال دیدگاه ساختار و کارگزار به این معنا خواهد بود که سازه های روابط بین الملل دیگر نه برساخته عوامل عینی و ساختاری محض و نه برساخته عوامل ذهنی و تفسیری محض تصور نخواهند شد، بلکه عملکرد روابط بین الملل منتج از درهم تنیدگی عوامل ساختاری و کنشی دانسته می شوند ( معینی و راسخی، ۱۳۸۹: ۱۹۴). لذا از دیدگاه این نظریه ایده ها، هنجارها و ارزش ها، فرهنگ و هویت یک کشور را شکل می دهند و این هویت ها، منافع و سیاست خارجی یک کشور را قوام می بخشند.

بطور کلی ونت هسته های اصلی این نظریه را چنین بیان می کند: (۱) دولت ها سطوح اصلی تحلیل برای نظریه های سیاست بین الملل هستند؛ (۲) ساختارهای کلیدی در سیستم دولت ها بیش تر از آن که مادی باشند، ادراکی می باشند؛ (۳) هویت ها و منافع دولت ها بیش از آن که به وسیله طبیعت انسان یا سیاست های داخلی وارد سیستم شوند، بخش مهمی از آن به وسیله این ساختارهای اجتماعی برسازی شده اند (Wendt 1994: 35). شکل زیر نحوه تاثیرگذاری عناصر غیرمادی بر شکل گیری هویت، منافع و سیاست خارجی کشورها را ترسیم می نماید.

## ۲. سیاست خارجی ایران در قبال تحولات بحرین از منظر سازه انگاری

به نظر می رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین در چارچوب سازه انگاری بیشتر قابل فهم باشد. چراکه آنچه در اینجا اهمیت بیشتری می یابد این است که رهیافت سازه انگاری به عنوان مکملی برای رئالیسم و نئورئالیسم قرار داده شده است. همانطور که گفته شد از نظر سازه انگاران آشوب زدگی فی نفسه بی معناست و آن چیزی نیست، جز آنچه که دولت ها می سازند. آنها اعتقاد دارند مطالعه سیاست بین الملل تحت تاثیر رویکرد واقع گرایی ظاهراً باعث کم توجهی به ابعاد فرهنگی و هنجاری الگوی رفتار بازیگران شده است (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۱۳۵). لذا عامل تعیین کننده ی رفتار ج.ا. ایران نسبت به بحرین، فاکتورهای عینی و مادی نیست، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیم بر منافع و هویت ایران اسلامی گذاشته بود (قوام ۱۳۸۴: ۸۴) سررشته سیاست خارجی ج.ا. ایران در قبال این کشور به زنجیره بی شماری از عناصر تاثیرگذار همچون تاثیر آموزه ها و تعلقات مذهبی، نگاه

تاریخی و آرمان گرایی سنتی ایرانی ها نسبت به دوستان و دشمنان، محیط ذهنی و پیرامونی پیوسته است که به دلیل تعدد و در هم تنیدگی این عناصر امکان تعیین وزن هر یک از آنها کار دشواری است. اهمیت و جایگاه هنجارها با ویژگی ها و مختصاتی از این دست از آنجاست که مطابق رهیافت سازه انگاری با درک چگونگی تاثیرگذاری هنجارها بر هویت می توان چگونگی تعریف منافع ملی را که اساس سیاست خارجی یک کشور است درک کرد (قوم، ۱۳۸۴: ۱۱۸). سازه انگاران بر خلاف واقع گرایان، تنها به کارکردهای ابزارگونه ی آن در سیاست خارجی بسنده نمی کنند؛ بلکه در وجه ایجابی به نقش مذهب به عنوان یک متغیر مستقل در ایجاد یکپارچگی ملی و عامل ثبات سیاسی بین المللی می پردازند. این تلقی سازه انگارانه از جایگاه و تاثیر هنجارهای دینی امروزه به طور خاص منزلت ایدئولوژیک ایران در بعد بیرونی به ویژه در سطح افکار عمومی منطقه و الگودهی به جنبش های اسلام گرا را توضیح می دهد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۰)

بحرین از نظر ژئوپلیتیکی جایگاه خاصی از منظر جمهوری اسلامی ایران دارد و جزء همسایگان و دارای مرز آبی با ایران است. نکته دیگر این که بحرین در قرون گذشته جزیبی از سرزمین ایران و تحت حاکمیت حکام ایرانی بوده است، بخشی از جمعیت آن را ایرانیها تشکیل می دهند و پیوندهای تاریخی مستحکمی بین بحرین و ایران وجود دارد. از این رهگذر، عامل تعیین کننده ی رفتار ج.ا. ایران نسبت به بحرین، فاکتورهای عینی و مادی نیست، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیم بر منافع و هویت ایران اسلامی گذاشته بود. همچنین مسأله مهم و تأثیرگذار دیگر درخصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می دهند.

لذا به نظر نگارندگان، نظریه سازه انگاری می تواند به توجیه و تحلیل رخدادهای منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه (بهار عربی) و سیاست خارجی ایران در برابر تحولات بحرین پردازند؛ چرا که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال تحولات اخیر منطقه در درجه اول متکی بر هویت، امنیت و منافع ملی قابل تبیین است.

در فرایند مطالعه ضمن روشن شدن قابلیت‌های تفسیری این نظریه، معلوم گردید که در تفسیر سازه‌انگاری با تأکید بر ساختار و پویایی زندگی بین‌المللی، منافع بازیگران و دولت‌ها اموری متغیر و در حال تکوین لحاظ می‌شوند که براساس آنها دولت‌ها، منافع خود را در روند تعریف و موقعیت‌ها و ایفای نقش‌ها در چارچوب هویتی تعریف می‌کنند. البته تأکید بر اهمیت هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ در جهان سیاست، اختصاص به سازه‌انگاری ندارد و دیدگاه‌های ایده‌آلیستی نیز بر آن کم و بیش تأکید دارند. اما آن چه سازه‌انگاری را در این باره متمایز می‌سازد، تأکید ویژه آن به خصوص در «فرایند انجام آن» است. رهنمون این ایده‌ی مهم این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصالت داشته باشد. مسئولیت‌هایی که توفیق در آنها در گرو غلبه بر ساختارهای بین‌الذهانی نامطلوب و ایجاد تقارب بین‌الذهانی و برخورداری از قدرت نرم می‌باشد این موضوع با توجه به رویکرد اصلی انقلاب اسلامی و تجربه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های اخیر و تحلیل تطبیقی آن بسیار حائز اهمیت بوده و به نوعی مویذ آن نیز به شمار می‌آید (سیدنژاد، ۱۳۸۹).

به تبع چارچوب سازه‌انگارانه فوق، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به نوعی حاصل تاریخ معاصر ایران و به نوعی دیگر «بر سازنده» آن است. ادراک و تلقی خاصی که جامعه ایرانی در سال ۱۳۵۷ و بعد از آن نسبت به تاریخ معاصر ایران داشته است، منبع عمده‌ای است که در چارچوب آن جهان حال حاضر برای انقلابیون دسته بندی و معنادار شده و در نهایت «برساخته» و به کنش با آن پرداخته می‌شود. مطالعات فرسنگی

به طور کلی سیاست خارجی ایران بازتاب سه منبع هویتی ذیل می‌باشد:

۱. ذهنیت تاریخی ایرانیان؛ ۲. اسلام‌گرایی و چارچوب‌های فقهی برآمده از آن؛ ۳. تجربه تاریخی معاصر ایرانیان.

این منابع هویتی سه گانه در ارتباط با یکدیگر بوده و دارای همپوشانی‌های زیادی نیز می‌باشند، ولی در هر صورت می‌توان این نکته را در مقام نتیجه‌گیری عنوان کرد که این منابع در کلیت خود، هویت و زبان انقلاب اسلامی و نظام برآمده و کارگزاران آن را شکل دادند، منظر آنها را از جهان اطراف ساختند و پایه‌های قضاوت‌های ارزش آنها در



باب نظم مستقر، رویه‌ها و قواعد حاکم بر آن بودند. از پس عینک این هویت، نظام جمهوری اسلامی وارد صحنه تعامل جهانی شد و در چارچوبی آرمانگرایانه خواهان نفی الگوی مستقر نظم موجود و پی افکندن نظامی نو بر اساس چارچوبه اسلامی شد (سیدنژاد، ۱۳۸۹). رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در تمامی دوره‌های حیات خود، دائماً به این منابع هویتی ارجاع می‌دهد و بدون توجه به آن قابل درک نخواهد بود. لذا با استفاده از نظریه سازه‌انگاری می‌توان بر عوامل هویتی و ایدئولوژیکی میان دو کشور تمرکز کرد.

### ۳. بررسی روند تحولات بحرین

بیداری اسلامی که در غرب عموماً به عنوان بهار عربی از آن یاد می‌شود، طی بیش از سه سال گذشته تاکنون، زمینه ساز سقوط حکومت‌های دیکتاتوری در بعضی از کشورهای عربی غرب آسیا و شمال آفریقا شده است. با نگاهی کلی به فهرست مطالبات مشترک این کشورها می‌توان دریافت که خواسته‌های کشورهای اسلامی و قیام‌های مردمی به یکباره رخ نداده و طی سالیان متمادی انباشت و به شکل انقلاب و بیداری اسلامی ظهور و بروز یافته است. با این حال و به رغم وجود مشابهت‌هایی که می‌توان برای این تحول عظیم در عرصه بین‌المللی و در میان این کشورها مشاهده کرد، انقلاب بحرین دارای ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر انقلاب‌های عربی متمایز می‌کند. برای مثال برخلاف آنچه در دیگر کشورها مردم به سرعت از اصلاحات ناامید و رأس نظام را در اعتراضات خود نشانه رفتند، در بحرین، خواست مردم هیچ‌گاه از سطح اصلاحات فراتر نرفته است. انقلاب بحرین مثل دیگر تحولات دموکراسی خواهانه، ابتدا به شکل سیاسی و فقط با درخواست اصلاحات سیاسی و اقتصادی شروع شد و بحرینی‌ها تلاش کردند با تجمع در میدان «لؤلؤ» در منامه - پایتخت این کشور - رژیم را وادار به اصلاحات کنند. در این میان حمد بن عیسی آل خلیفه که انقلاب ۱۴ فوریه را انقلاب ارادل و اوباش خواند، دستور سرکوب را صادر و ماشین نظامی - امنیتی رژیم حاکم، منامه را به میدان خشونت و جنگ تبدیل کرد.

در این میان، نیروهای امنیتی بحرین که دیگر تاب مقاومت مقابل معترضان را نداشتند دست به دامان عربستان و امارات شده و پس از چند روز نیروهای «سپر جزیره» به طور

مستقیم مدیریت عملیات سرکوب را بر عهده گرفتند. لذا عامل اساسی که مدل اعتراضات بحرین را بیشتر متمایز می کند دخالت کشور عربستان در قالب شورای همکاری خلیج فارس است. این اولین باری است که شورا از ابزار نظامی دسته جمعی برای سرکوب یک انقلاب مردمی استفاده کرده است. این شورا که یک ائتلاف شش ملیتی است در چهارده مارس ۲۰۱۱ برای حفظ رژیم آل خلیفه، حدود دو هزار نیرو که هزار و دویست نفر آن از عربستان و هشتصد نفر از آنان نیز از امارات بودند، وارد خاک بحرین شدند (Bronner and Slackman, 2011).

استدلال سازمان شورای همکاری خلیج فارس و شخص حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین این است که با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از جمعیت بحرین را شیعیان این کشور تشکیل می دهند، اگر انقلابی به سبک انقلاب ایران در این کشور رخ دهد چنین مسئله‌های تمام معادلات را در منطقه به نفع ایران تغییر خواهد داد. فلذا برای اجتناب از چنین رخدادی با سلاح به استقبال مخالفان رفته اند (Gengler, 2011). رژیم آل خلیفه با این تصور که موج ارباب و سرکوب باعث خواهد شد معترضان دست از اعتراضات خود بردارند، دامنه حملات خود علیه تظاهرکنندگان را افزایش داده و حتی برخی مناطق را برای ماه‌ها محاصره کردند. در حالی که انتظار می رفت مجموعه کشورهای غربی مانند کشورهای تونس، لیبی و سوریه عکس العمل نشان دهند، قدرت‌هایی چون آمریکا و بریتانیا با نشان دادن چراغ سبز به اقدامات سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه، راه را برای سرکوب بیشتر مزدوران این رژیم هموار کردند. از طرفی واکنش منفعلانه «کمیته بسیونی» (کمیته حقیقت یاب حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین که شریف بسیونی ریاست آن را بر عهده دارد) نیز موجبات تشدید سرکوب‌ها در بحرین را فراهم آورد. تمامی تحرکات منفی رژیم آل خلیفه باز هم نتوانست جلوی موج خشم مردمی را سد کند و بحرین طی این مدت تقریباً به صورت مستمر شاهد برگزاری تظاهرات و اعتراضات گسترده بوده است. (9: Tashjian, 2013)

لازم به ذکر است، بحرین از کشورهایی است که از دیرباز شاهد جنبش‌ها و حرکت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی بوده است. جنبش‌های این کشور در سال‌های اخیر نمود زیادی داشته است. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۲) خیزش مردمی در بحرین بعد از سقوط

مبارک با حضور جوانان انقلابی آغاز شد و بعد از سرکوب اولیه اعتراضات از سوی حکومت آل خلیفه به اعتراضات و راهپیمایی های گسترده مردمی تبدیل شد. چنانکه گفته شد، هدف این تجمعات در ابتدا دستیابی به آزادی سیاسی بیشتر و احترام به حقوق بشر بود و معترضان قصد نداشتند به طور مستقیم سلطنت را تهدیدکنند ( Bahrain Independent Commission of Inquiry: 2011).

البته سرخوردگی طولانی در میان اکثریت شیعه به دلیل سلطه‌ی دولت سنی، یک ریشه و علت اصلی اعتراضات بود، اما از اعتراضات تونس و مصر به عنوان الهام بخشی برای تظاهرات بحرین نام برده شده است (Reuters: 2011). چراکه، از نظر ترکیب مذهبی جمعیت بحرین، همه پژوهشگران و سازمانهای بین المللی معتقدند شیعیان اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. برخی از منابع جمعیت شیعیان را ۷۵ درصد دانسته اند. (Nasr, 2006: 3 & Helfont, 2009:289) از این زمان اقشار و گروه های مختلف مردمی و سیاسی از جمله الوفاق به عنوان مهمترین تشکل سیاسی شیعیان در بحرین در اعتراضات شرکت کردند و حتی نمایندگان الوفاق از پارلمان این کشور استعفا کردند. در میان گروه های مخالف حکومت آل خلیفه دسته ای به رهبری الوفاق خواستار اصلاحات و ایجاد نظام سلطنت مشروطه و تشکیل کابینه بر اساس آرای مردم شدند، اما دسته دیگر به رهبری شخصیت هایی مانند حسین مشیمع خواستار تغییر حکومت در بحرین و ایجاد نظام جمهوری شدند. در این دوره تلاش هایی برای گفتگو بین حکومت و مخالفین میانه رو نیز صورت گرفت، اما این گفتگوهای محدود به نتیجه ای نرسید.

معترضان درخواست اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشور داشته اند، همچنین از تبعیض علیه شیعیان، فقر و بی کاری و تعداد کم نمایندگان شیعی در مجلس اعلام نارضایتی کرده اند. هرچند این تظاهرات غالباً از طرف شیعیان بوده است، اما گروه هایی از اهل تسنن نیز به آنها در مقاطعی پیوسته اند. هرچند زمانی که شعارهای شیعیان رادیکال تر شد و سقوط رژیم را خواستار شدند، این گروه های سنی شیعیان را همراهی نکردند و از اعتراض دست کشیدند (Terril, 2011: 56). به طور کلی می توان ریشه های بحران بحرین را این گونه دسته بندی کرد: (۱) حکومت اقلیت سنی بر اکثریت شیعیان (۲)

ممانعت از مشارکت سیاسی شیعیان (۳) تغییر بافت جمعیتی بحرین، حکومت بحرین برای تغییر بافت جمعیتی این کشور به نفع اهل سنت به مهاجران سنی از کشورهای چون پاکستان، بنگلادش، اردن و... تابعیت داده که اکثر آن‌ها هیچ تخصصی هم ندارند و به امید گرفتن زمین به بحرین می‌آیند. همچنین حکومت بحرین از این افراد در تشکیلات نظامی و پلیس استفاده می‌کند که خود نشان از تبعیض شدید مذهبی در این کشور دارد. (۴) فاصله طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت (هاشمی نسب، ۱۳۸۹: ۴۵). از دیگر عواملی که نقش اساسی در بروز این جنبش‌های مردمی داشته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وجود حکومت‌های استبدادی و غیر پاسخگو، ساختار سیاسی بسته و وجود تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی، ساختار معیوب اقتصادی و در نتیجه آن، مشکلات عدیده اقتصادی، وابستگی حکومت‌های دیکتاتوری منطقه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اتخاذ سیاست‌ها همسو با آنها و بی‌توجهی به آرمان‌های مردم منطقه، نداشتن مقبولیت و پایگاه مردمی در داخل کشور و تعارض مذهبی بین شیعه و سنی در بحرین از دلایل بروز اعتراضات اخیر است که مردم شیعه مذهب علیه دولت آل خلیفه سنی مذهب با اجتماع و اعتراض به نظام حاکم در پی دستیابی به حقوقشان می‌باشند (Teitelbaum, 2011: 12) با نگاهی گذرا به کشورهایی که اکنون با شکل‌گیری اعتراض و خیزش‌های مردمی مواجه هستند، مشخص می‌شود که در هر یک از این کشورها، ترکیبی از عوامل فوق‌نقش مهمی در بروز این تحولات داشته‌است و به همین دلیل، این تحولات با سرعت از کشوری به کشور دیگر سرایت پیدا کرده و نظام‌های سیاسی را به چالش کشیده‌است. قابل‌پیش‌بینی بود که به دنبال خیزش‌های مردمی در تونس، مصر، لیبی، یمن و تعداد دیگری از کشورهای استبدادی که اتفاقاً منجر به سقوط دیکتاتورهایی مانند زین العابدین بن علی و حسنی مبارک شده بود، این خیزش‌ها به کشورهای دیگری مانند بحرین نیز سرایت کند (بهرامی، ۱۳۹۶).

لذا به دلیل همین فضای بسته سیاسی است که مردم بحرین بار دیگر و برای چندمین بار در طی سالیان اخیر، در کنار دیگر مردمان سرزمین‌های جهان عرب از اوایل سال ۲۰۱۱ به خیابان‌ها آمده و خواستار تغییرات اساسی در ساختار سیاسی کشورشان شدند. نکته‌ای که در این میان جلب توجه می‌کند، توجه ویژه‌ای است که دولت‌های سنی، به ویژه

عربستان به حوادث بحرین دارند و برخلاف پدیده‌های شمال آفریقا سعی دارند آن را فرقه‌ای و مذهبی جلوه دهند تا با این بهانه به سرکوب این قیام پردازند (هاشمی نسب، ۱۳۸۹: ۳۴). عربستان ادعا می‌کند که ایران از شیعیان بحرین برای براندازی حکومت حمایت می‌کند (Chulov, 2011)

با ورود نیروهای نظامی عربستان سعودی و امارات عربی متحده به بحرین اعتراضات مردمی به شدت سرکوب شد و بسیاری از مخالفان دستگیر و زندانی شدند و تعدادی نیز کشته شدند. حکومت‌های شبه جزیره عربستان به جمعیت شیعه خود به عنوان نیرویی که تحت تاثیر ایران است نگاه می‌کنند و نگاهی امنیتی به آنها دارند. وضعیتی که موجب شده است شیعیان در این کشورها از شرایط سیاسی- اجتماعی خود محروم باشند. به خصوص در بحرین، که اقلیت اهل سنت بر اکثریت شیعه حکم می‌راند و این وضعیت از سوی کشورهای عربی، به ویژه عربستان حمایت می‌شود. حتی قبل از اعتراضات دو سال اخیر، این کشور صحنه اعتراض و درگیری بود. برای مثال در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ دوره‌ای از درگیری و خشونت و سرکوب شیعیان از سوی حکومت بحرین اتفاق افتاد (Terril, 2011:15).

علاوه بر این، حکومت به ایجاد رعب و وحشت، بیکار نمودن کارگران و کارمندان معترض، تخریب مساجد و حسینیه‌ها و اقدامات مشابه دیگر در جهت کنترل و مهار اعتراضات پرداخت. علاوه بر این دادگاه نظامی بحرین هشت نفر از رهبران انقلابی بحرین را به حبس ابد محکوم کرد. پس از آن حکومت اعلام نمود که وضعیت فوق العاده در این کشور لغو شده و پادشاه الظهرانی رئیس مجلس را به عنوان نماینده حاکمیت برای گفتگو با مخالفین تعیین کرده است، اما تداوم اقدامات سرکوبگرانه و خشونت نیروهای امنیتی و همچنین رویکرد کلی آل خلیفه حاکی از آن است که برخی اظهارات مقامات بحرینی در خصوص اصلاحات و گفتگو با مخالفین تنها نمایشی و در جهت ترمیم پرستیژ نظام سیاسی حاکم است و حکومت قصد هیچ گونه اعطای امتیاز و گفتگوی واقعی و جدی با مخالفین را ندارد. این مساله‌ای است که حتی گروه‌های معتدل مخالف مانند الوفاق به آن واقف هستند و تنها راه را تداوم اعتراض مسالمت آمیز مردم برای دستیابی به مطالبات خود می‌دانند. حکومت با دعوت از ۳۰۰ نفر از گروه

های مختلف سعی در پیشبرد طرح گفتگوی ملی داشته است، اما گروه های مخالف حکومت را فاقد اراده لازم برای اعطای امتیاز و ایجاد تحول مردم سالاری می دانند و امید چندانی به نتیجه بخشی گفتگوها ندارند.

#### ۴. سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال تحولات بحرین

هرچند خیزش های جهان عرب در تمام این کشورها با منافع و سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است، با این حال میزان پیوند و تاثیرگذاری تحولات هر یک از کشورها بر امنیت ملی ایران تفاوت هایی دارد. برخی از تحولات جهان عرب در محیط امنیتی بلافصل یا همسایگی جمهوری اسلامی ایران مانند بحرین به وقوع پیوسته اند و به طور قطع به گونه ای مستقیم تر و گسترده تر منافع امنیتی ایران را تحت تاثیر قرار می دهند. لذا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای اسلامی به خصوص کشوری مانند بحرین که از لحاظ تاریخی و هویتی وابستگی خاصی به ایران دارد، حائز اهمیت خاصی است. سیاست خارجی ایران در بحرین دارای ابعاد چندگانه ای است؛ برای درک این ابعاد، باید مسایل زیادی را مدنظر قرار داد؛ کشور بحرین با آنکه دارای اکثریت شیعی است، ولی حاکمان آن اقلیتی سنی هستند و سالهای متمادی است که با زور و وحشت بر این کشور حکمرانی می کنند و هر خواسته ای مشروعی که از جانب اکثریت شیعی مطرح می شود، فوراً به عنوان توطئه در نظر می گیرند و آن را به حکومت جمهوری اسلامی ایران نسبت می دهند تا بتوانند با این حربه آن خواسته را از بین ببرند. به هر حال کشور بحرین، از آنجا که اکثریت مردم آن شیعه و حتی ایرانی تبار هستند برای جمهوری اسلامی اهمیت خاصی دارد و هر نا امنی و دخالت بیگانگان در این کشور بر امنیت جمهوری اسلامی نیز تاثیرگذار خواهد بود. همانطور که می دانیم، ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا، دشمن استراتژیک جمهوری اسلامی، در بحرین حضور دارد و این می تواند برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خطر بالقوه ای باشد؛ چراکه آل خلیفه، حیات خود را در تشبث به خارجی ها جستجو می کند. در تنگنا قرار دادن ایران از طریق محدود کردن حوزه ی اعمال نفوذ ایران در منطقه و ایفای نقش ایران به عنوان قدرت متنفذ منطقه ای از اهداف مهم حضور نظامی آمریکا می باشد، چنان که بارها پس از جنگ سرد، آمریکا جمهوری اسلامی ایران را به

عنوان یکی از تهدیدهای عمده نسبت به منافع ملی خویش اعلام کرده است (Chubin, 1995: 109). پس از تحولات اخیر منطقه عملاً نیروهای آل سعود نیز، بحرین را اشغال کرده‌اند تا حقوق مشروع اکثریت مردم شیعه این کشور را پایمال سازند از ترس اینکه مبدا انقلاب آن‌ها به عربستان تسری یابد. چراکه از نگاه دول عرب کشورهای حاشیه خلیج فارس ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آنرا علیه منافع کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه ای آمریکا و اسرائیل به کار گیرد (آدمی، موسوی و توتی، ۱۳۹۱: ۱۴۴) حال آنکه در این گونه نیست و جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه مداخله‌ای در بحران بحرین نداشت و تنها پس از آغاز اعتراضات داخلی و خودجوش مردمی در این کشور که با توجه به نارضایتی‌ها و بسترهای بلندمدت خاص خود نمودار شد به حمایت از مخالفین پرداخت. ایران در طول بحران بحرین سعی کرد از ابزارها و شیوه‌های مختلف برای حمایت از گروه‌های مخالف و توقف رویکرد سرکوب حکومت و حضور نیروهای سعودی و اماراتی استفاده نماید. به کارگیری ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌های در جهت محکوم کردن آل خلیفه و به نمایش گذاشتن اعتراضات مردمی، برگزاری راه پیمایی‌ها و تجمعات در اعتراض به اقدامات آل خلیفه و آل سعود و اقدامات نمادین اعتراضی در ایران و حتی سایر کشورهای منطقه، اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مانند نوشتن نامه به دبیر کل سازمان ملل و رایزنی با مجامع بین المللی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، در این خصوص قابل اشاره است (اسدی و زارع، ۱۳۹۰: ۱۸۸)

بدین ترتیب، وزارت خارجه ایران علاوه بر احضار سفیرای عربستان، بحرین، سوئیس و ابراز نگرانی شدید خود، چندین بار در نامه‌هایی به «بان کی مون» دبیرکل سازمان ملل متحد، «اکمل الدین احسان اوغلو» دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی و «عمرو موسی» دبیرکل اتحادیه عرب، مراتب نگرانی خود در مورد حضور نظامی برخی کشورها در بحرین به اطلاع مقام‌های سازمان‌های مذکور رسانده است. سایر تشکلهای و شخصیت‌های کشور نیز به این وضعیت اعتراض کرده‌اند، همچنین، رسانه ملی، به خصوص شبکه‌های برون مرزی همچون شبکه العالم و پرس تی وی تلاش زیادی برای پوشش و اطلاع رسانی از شرایط حاکم در این کشور کرده‌اند که تاثیر زیادی بر افکار

عمومی مردم منطقه و جهان داشته است. این امر موجب شد با فشار و لابی کشورهای عربی، فرکانس‌های این دو شبکه را از روی چند ماهواره حذف کنند.

بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران از ابتدا به حمایت از معترضین بحرینی پرداخت و لزوم توجه حکومت به حقوق و درخواست‌های مردم را مورد تأکید قرار داد و همچنین به ورود نیروهای سعودی و اماراتی به بحرین به شدت اعتراض کرد. جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه مداخله‌ای در بحران بحرین نداشت و تنها پس از آغاز اعتراضات داخلی و خودجوش مردمی در این کشور که با توجه به نارضایتی‌ها و بسترهای بلندمدت خاص خود نمودار شد به حمایت از مخالفین پرداخت.

باید بدانیم که بحرین برای جمهوری اسلامی ایران تنها در حکم یک همسایه عادی نیست، بلکه این کشور در ورود ایران به ترتیبات امنیتی، سیاسی و فرهنگی کشورهای حاشیه خلیج فارس نقش مهمی دارد. هویت ایرانی و شیعی مردم بحرین در کنار مؤلفه‌های ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک آن باعث شده است که این کشور در راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره در کانون توجه قرار گیرد. البته ساختار سیاسی و رویکردهای بین‌المللی دولتمردان این کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در تقابل یا ناهم‌سویی معناداری با اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. به همین جهت جمهوری اسلامی ایران از هر گونه تحولات مردم‌سالارانه که مسلماً نتیجه آن به قدرت‌یابی شیعیان خواهد انجامید، استقبال می‌کند. با این رویکرد، ایران در تحولات و اعتراضات مردمی بحرین مهم‌ترین کشور حامی انقلابیون بود. این امر باعث شد که سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی صحنه بحرین رویکرد تنش‌زایی را در مقابل انقلابیون و به تبع آن ایران به نمایش بگذارند.

مطابق با رویکرد هویت‌گرایی، مولفه‌های ارزشی، هنجاری، فرهنگی، قواعد و ترتیبات حقوقی در تکوین سیاست خارجی کشورهای موثر می‌باشند. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران مولفه‌هایی مثل مقابله با ظالم، مبارزه با استکبار، حمایت از مظلوم، تکلیف‌گرایی، شهادت و ایثار به صورت‌های مختلف در سیاست خارجی ایران بازتولید شدند به طوری که این مولفه‌ها به معیارها و ملاک‌های تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و جهت‌گیری سیاست خارجی تبدیل شدند طبق مولفه‌های فوق سیاست خارجی ایران در



قبال انقلاب‌های عربی تکوین یافت. باتوجه به ملاحظات فوق، ایران حامی سیاست تغییر وضع موجود و انقلاب در نظام‌های سیاسی عربی طرفدار آمریکا و اسرائیل می‌باشد تعدادی از افراد سیاسی حاکم در این کشورها طرفدار اتحاد و ائتلاف با آمریکا و موافق حضور قدرت‌های بزرگ غربی در منطقه می‌باشند و عمدتاً در مقابل اسرائیل سیاستی میانه‌رو مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز انتخاب کرده‌اند چنین سیاستی از سوی ایران در قبال کشورهای مثل مصر، تونس، یمن و بحرین دنبال می‌شود. از طرف دیگر جمهوری اسلامی طبق مولفه‌های هویتی خود از سیاست حفظ وضع موجود در کشورهای که سیاست ضد اسرائیلی و ضد صیہونیستی در منطقه دارند و از حزب الله و حماس در مقابل اسرائیل و آمریکا حمایت می‌نمایند، پیروی می‌نماید. چنین سیاستی در قبال کشور سوریه اجرا شده است.

لذا موضوع بحرین یکی از نادرترین مسائل در سیاست خارجی ایران است، چرا که فشار از سوی جامعه بر مسئولان سیاسی برای بها دادن به حوادث در جریان این کشور وجود دارد. بحرین در وجدان عمومی جامعه ایرانی اهمیت دارد و این اهمیت در ایران به دلیل سیاست های رسمی دولتی نیست، بلکه در لایه لایه جامعه ایران احساس مسئولیت، حمایت و همبستگی با مردم بحرین وجود دارد. طبیعتاً دولت ایران در چارچوب تعهدات بین‌المللی و عرف سیاسی و اندکی هم تحت تاثیر فضای ایران ستیزی در منطقه تلاش می‌کند در این حوزه با احتیاط و محافظه کاری بیشتری برخورد کند.

نخستین مدرسه تاسیس شده در این کشور یعنی "اتحاد" اشاره کرد. این مدرسه متعلق به ایرانیان بوده و تا سال ۱۹۷۱ زیر نظر اداره اداره کل آموزش و پرورش بوشهر اداره می‌شد. وی به پیوندهای عمیق خانوادگی میان مردم دو کشور نیز اشاره داشت. به عنوان نمونه بسیاری از مقامات بلند پایه بحرینی در ایران صاحب ملک پدری در سواحل شمالی خلیج فارس هستند، از این رو روشن است فشار مردم بر دستگاه دیپلماسی برای بالابردن حساسیت نسبت به بحرین ناشی از پیوندهای ناگسستنی تاریخی، خانوادگی، قومی و عشیره ای است (فرازمند، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، روابط ایران و بحرین بیش از هر چیز به جمعیت شیعی بحرین و پیوندهای مذهبی آنها با جمهوری اسلامی ایران باز می‌گردد. بحرین از جمله مناطقی

بود که ساکنان آن در ابتدای ظهور اسلام مسلمان شدند. از نخستین والیان رسول الله (ص)، ابان بن سعید، در دوستی با علی بن ابی طالب ع شهره بود. این عامل نقش مؤثری در گسترش تشیع در میان مردم بحرین داشته است. (اسلامی، ۱۳۷۸) جمهوری اسلامی ایران نیز با داشتن بیش از ۷۵ میلیون نفر مسلمان (۹۸٪) که از این میزان ۸۹٪ شیعه و ۹٪ سنی می باشند یکی از کشورهای بزرگ پرجمعیت و تاثیرگذار اسلامی است. در این میان کشور بحرین بیشترین قرابت مذهبی را با جمهوری اسلامی ایران داراست. قریب به هفتاد درصد آنها نیز دارای مذهب تشیع می باشند که بیشترین همگرایی را در میان مناطق مختلف ژئوپلیتیکی با جمهوری اسلامی ایران دارد. (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۳) بنابراین، شیعیان و علمای شیعه بحرین همواره با مراکز تشیع در ایران و عراق مرتبط بوده اند و معمولاً در مسائل فقهی و مذهبی با حوزه های علمیه ارتباط تنگاتنگ داشته اند. به همین دلیل، تفاوت عقیدتی چندانی میان شیعیان بحرین با شیعیان سایر کشورها دیده نمی شود.

لذا همچنانکه گفته شد اکثریت جمعیت بحرین را شیعیان و مابقی جمعیت کنونی بحرین را سنی ها تشکیل می دهند که خاندان آل خلیفه و اعراب عتوبی از آن جمله اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شیعیان بحرین راهپیمایی هایی را در حمایت از این انقلاب تدارک دیدند. در آذرماه سال ۱۳۶۰ دولت بحرین گروه هایی از شیعیان بحرین را به اتهام اقدام مسلحانه علیه حاکمیت این کشور دستگیر کرد. از جمله اتهامات وارده، دیدن آموزش های نظامی در ایران نیز بود. ایران این اتهام را رد کرد، اما بحرین سفارت خود را در تهران تعطیل کرد و سطح روابط دو کشور به کاردار یک جانبه ایران تقلیل یافت. در سال ۱۹۸۱ پیمان نظامی شورای همکاری خلیج فارس عمدتاً با هدف زیر نظر داشتن تحرکات ایران به ابتکار عربستان سعودی و با شرکت دولت بحرین منعقد شد. با پایان جنگ ایران و عراق، روابط دو کشور رو به بهبود رفت. اما این روابط بار دیگر با حمایت بحرین از ادعای امارات عربی متحده در مورد جزایر سه گانه ایران در خلیج فارس رو به تیرگی گذاشت که با دخالت سوریه مجدداً بهبود یافت. در سال ۱۳۷۵ نیز بروز کودتایی نافرجام در بحرین به ایران نسبت داده شد که جمهوری اسلامی ایران آن را رد کرد.

به تدریج وجود محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی علیه شیعیان موجب نارضایتی گسترده در میان آنها شد و در سال ۱۹۷۵ و با انحلال مجمع ملی بحرین که یک نهاد مشورتی بود اختلافات به اوج خود رسید و شیعیان مشارکت در روند سیاسی بحرین را طی سه دهه به حالت تعلیق درآوردند. در سال ۱۹۹۹ پس از روی کار آمدن شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه، او برخلاف رویه پدرش در ابتدا با آزادی هزاران زندانی سیاسی و اجازه به بازگشت تبعیدی‌ها اصلاحاتی صورت داد و در نتیجه روزنامه‌های مخالف، گروه‌های حقوق بشر و سازمان‌های غیر دولتی ایجاد شدند. البته فعالیت احزاب سیاسی در این کشور همچنان ممنوع شد، اما انجمن‌های سیاسی به عنوان جایگزین آنها اجازه فعالیت پیدا کردند. همچنین شیخ حمد به منظور بهبود فضای سیاسی تعهد کرد قانون اساسی جدیدی را در بحرین تدوین کند و در سال ۲۰۰۲ مجوز فعالیت مجدد پارلمان را صادر کرد. به تدریج مشخص شد که این اصلاحات ظاهری و به منظور کنترل اوضاع بحرین پس از مرگ پادشاه صورت گرفته است. در نتیجه گروه‌های شیعه به تحریم انتخابات و عدم مشارکت سیاسی پرداختند. اما جمعیت وفاق ملی بحرین همچنان در فضای سیاسی باقی ماند. به رغم وجود اختلاف نظر در میان شیعیان در مورد این اقدام و تمایل اکثریت آنها به پیوستن جمعیت وفاق به تحریم، اما این حزب توانست آرای چشمگیری را در پارلمان به خود اختصاص دهد. به هر حال، در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ انتخابات پارلمانی بحرین انجام شد و گروه‌هایی از اسلام‌گرایان شیعه و سنی به آن راه یافتند. اما عملاً پارلمان در برابر دولت سنی این کشور قدرتی جهت انجام اصلاحات ندارد.

در ژانویه ۲۰۰۹، سیاست‌های ضد شیعی حکومت و سرکوب شیعیان، باعث تظاهرات ۱۲۰ هزار نفری شیعیان بحرین شد. به رغم آنکه اکثریت جمعیت بحرین شیعه هستند، اداره حکومت در دست خاندان اهل سنت آل خلیفه است که به انواع سیاست‌های ضد شیعی پرداخته است. به غیر از تظاهرات قانونی سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰، سایر راهپیمایی‌های مردم بحرین، همواره به صحنه تقابل نیروهای مسلح این کشور با مردم بدل شده است. همچنین حکومت بحرین تلاش می‌کند نسبت جمعیتی بحرین را به سوی سنیان و وهابیان سوق داده و شیعیان را در اقلیت قرار دهد. به طوری که علاوه بر

برخوردهای شدید با علما و شیعیان، اقدام به دادن روایت بحرینی شدن به گروه‌های وسیعی از سنیان و وهابیان سایر کشورها کرده است. در پی اعتراضات سال ۲۰۱۱ در بحرین حکومت پادشاهی این کشور، ایران را به دخالت در امور داخلی این کشور و حمایت از معترضان متهم کرد. ایران نیز سرکوب معترضان بحرینی توسط نیروهای امنیتی این کشور و ارتش عربستان را محکوم کرد و چنین اتهامی را مردود و بهانه سرکوب شدید معترضان بحرینی توصیف کرد. ۱۴ مارس ۲۰۱۱ عربستان سعودی حدود هزار نیرو برای حمایت از رژیم بحرین به منظور سرکوب معترضان شیعه اعزام کرد. مقامات سعودی و بحرینی به منظور توجیه مداخله و سرکوب مردم بحرین اظهار داشتند که نیروهای شورای همکاری خلیج فارس به منظور کمک به حفاظت از بحرین در برابر تهدید ایران و جلوگیری از نفوذ این کشور در سیاست‌های داخلی بحرین مداخله کرده‌اند.

به هر ترتیب، پوشش اعتراضات بحرین توسط صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ موضع حمایت‌گرایانه در قبال این اعتراضات، موجب رنجش مقامات بحرینی شده است. وزیر خارجه بحرین، شیخ خالد بن احمد بن محمد آل خلیفه، اعلام کرد: "مبادلات گازی دوجانبه ایران و بحرین به علت مداخله ایران در امور داخلی بحرین به حالت تعلیق درآمده است". وی گفت: "بیانات تحریک‌کننده مکرر از سوی تهران بی‌شک مانعی بر هرگونه توافق میان دو طرف خواهد بود" (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۱: سایت خبری تحلیلی حرا). بدین ترتیب از اوایل سال ۱۳۹۰، روابط دو کشور به سردی و حتی خصومت گرایید.

لازم بود که جمهوری اسلامی از حقوق حقه مردم بحرین در برابر رژیم خلیفه دفاع کند و موضع خود را شفاف بیان کند؛ چراکه انقلاب مردم بحرین، انقلابی برخاسته از بیداری اسلامی است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران روی داده و متأثر از ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران است. اما حکومت پادشاهی بحرین، ایران را به دخالت در امور داخلی این کشور و حمایت از معترضان متهم کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز سرکوب معترضان بحرینی توسط نیروهای امنیتی این کشور و ارتش عربستان را محکوم دانست و چنین اتهامی را مردود و بهانه سرکوب شدید معترضان بحرینی توصیف کرد.

در همین زمینه نمایندگان مجلس شورای اسلامی بیانیه‌ای صادر کردند، در قسمتی از این بیانیه تصریح شده بود "ن تلاش‌های آمریکا و اعزام نیرو از سوی حکام عربستان به بحرین و آلوده شدن دست حاکمان این کشور به خون مردم بحرین نه تنها مانع اراده ملت بحرین نمی‌شود، بلکه دخالت عمال عربستان سعودی در بحرین عواقب خطرناکی برای حاکمیت نامشروع رژیم سعودی خواهد داشت" (دویچه وله فارسی به نقل از خبرگزاری ایرنا: ۱۳۹۰). بحرین در تقابل با این واکنش‌ها نام یکی از خیابان‌هایش را به «شارع الاحواز العربیة» گذاشت؛ این اقدام خصمانه‌ی دولت بحرین، نشان از عمق کینه‌ی رژیم آل خلیفه با جمهوری اسلامی ایران دارد؛ همچنین این رژیم معتقد است که ارزش‌های هویتی انقلاب اسلامی ایران، الگویی برای انقلاب مردمی بحرین شده است. چراکه این دو نظام، با هم تعارض هویتی دارند؛ یکی نظامی با الگوی اسلامی و دیگری رژیم و ابسته به غرب.

با توجه به ویژگی‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی منابع قدرت ایران، سیاست منطقه‌ای این کشور همواره متأثر از دو مولفه مهم واقعیات ژئوپلیتیک و جهت‌گیری ایدئولوژیک بوده است (Menashri, 2007) لذا حوادث بحرین هم از بعد ملی و هم از بعد ارزشی-ایدئولوژیک برای ایران حائز اهمیت زیادی است. به همین لحاظ موضع ایران در ارتباط با تحولات بحرین باید مبتنی بر برقراری نوعی تعادل بین «منافع» و «ارزش‌ها» با هدف تامین منافع ملی باشد.

حساسیت ملی در ارتباط با بحرین از این روست که بحرین در گذشته بخشی از خاک ایران بوده و پیوندها و ارتباطات فرهنگی، تاریخی و هویتی میان ملت‌های ایران و بحرین همچنان قوی است. این مساله را می‌توانیم در حجم رفت و آمدهای گسترده و علاقمندی موجود میان دو ملت ببینیم. از بعد ایدئولوژیک و ارزشی هم موضوع بحرین برای ایران بسیار حساس است چرا که اکثریت جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند و ایران هم کشوری شیعی است که با بروز انقلاب اسلامی ماهیت شیعی آن تقویت شده است. فراتر از این مسئله نوعی دلبستگی ارزشی و حمایت از هموعان در ملت ایران نسبت به وقایع اسفبار سرکوب مردم بیگناه در بحرین وجود دارد. لذا در مورد عوامل ایدئولوژیکی مهم‌ترین مسئله مربوط به شیعیان بحرین می‌باشد که

عربستان سعودی به شدت از ناحیه آنان احساس خطر می کند. همچنین ایران به عنوان دولتی شیعی و ادعای رهبری شیعیان جهان بر تحولات بحرین اشراف کامل دارد. خصوصاً با وقوع بهار عربی یا بیداری اسلامی در خاورمیانه این نگرانی از قدرت گیری و قیام شیعیان در بحرین افزایش یافت. به طوری که عربستان مجبور به دخالت نظامی در بحرین شد. بحرین به دلیل اینکه روزی جزئی از خاک ایران بوده به شدت تحت تاثیر این مسئله و شیعیانش از ایران شیعی الگو برداری می کنند. عربستان به این مسئله واقف بوده و سعی دارد تا به هر شیوه ای شیعیان در بحرین را سرکوب و اقدامات جمهوری اسلامی ایران را خنثی کند.

آغاز تحولات در جهان عرب مبتنی بر تقاضاهای مربوط به اصلاحات سیاسی، تقاضاهای اقتصادی و حقوق اجتماعی و امنیت بشری شکل گرفت و اساساً جنبه فرقه‌ای نداشت. اما سیر تحولات در بحرین به خصوص حضور نیروهای نظامی عربستان سعودی در این کشور و حمایت امریکا از آن، این تحولات را به سمت فرقه‌ای شدن و بحث شیعه و سنی بودن سوق می دهد. عربستان سعودی با اتخاذ این سیاست دچار اشتباهی جدی و استراتژیک شده است، چراکه ورود نیروهای این دولت خارجی واکنش ملت‌های دیگر منطقه از جمله ایران را نیز در پی داشته است. چنین وضعیتی ضمن تقویت جنبه فرقه‌ای بحرین می تواند عواقب غیر قابل پیش بینی و منفی برای امنیت منطقه‌ای و به تبع امنیت جهانی داشته باشد.

حضور عربستان در بحرین که با هدف تسلط و کنترل جریان‌های سیاسی در بحرین و کل منطقه خلیج فارس صورت گرفته در صورت پیروزی، می تواند توازن قوا را در سطح سیاست داخلی بحرین و همچنین در سطح سیاست منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس (یعنی حوزه فوری امنیتی ایران) و حتی منطقه خاورمیانه به ضرر ایران بهم بزند. این امر هم از لحاظ سیاسی- امنیتی و هم از لحاظ اقتصادی منافع ملی ایران را به خطر می اندازند. بی تردید ماجراجوییهای نظامی خارجی ضمن اینکه به نیروهای بیگانه بهانه لازم را می دهد که با استدلال اتصال امنیت منطقه خلیج فارس به امنیت جهانی به حضور گسترده خود در منطقه تداوم دهند منجر به گسترش نظامی‌گری و به تبع بی‌ثباتی در منطقه هم می شود. از لحاظ اقتصادی هم ایران دارای منافع زیادی در بحرین در

حوزه‌های صدور و انتقال انرژی و تولید نفت و گاز است. ضمن اینکه بطور سنتی تبادلات تجاری بین بازرگانان دو کشور قوی بوده است.

تاکنون دولت جمهوری اسلامی ایران بسیار با احتیاط مسائل بحرین را دنبال کرده است، اما این مساله روز به روز در سطح افکار عمومی داخلی از جمله نویسندگان، روشنفکران، فیلم سازان و مردم عادی حساسیت بیشتری پیدا می‌کند و همین مساله فشار بر دولت را افزایش می‌دهد تا موضع سخت‌تری را نسبت به سیاست سرکوب‌گرایانه رژیم حاکم بحرین اتخاذ کند. تاکنون شدیدترین موضع در ارتباط با مسائل بحرین از سوی مجلس شورای اسلامی اتخاذ شده است. از نظر مجلس حضور نیروهای خارجی در بحرین «بازی با آتش» است. این امر نشان می‌دهد که مسئله بحرین در سطح افکار عمومی ایران بسیار حساس است. در نتیجه این فشار، نمایندگان هم بر اساس احساس مسوولیت خود خواهان مواضعی سخت‌تر و فعالتر از سوی دولت می‌شوند (برزگر، ۱۳۹۰: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه).

بدین ترتیب، ایران به دلایل عدیده‌ای نمی‌تواند نسبت به تحولات بحرین بی‌تفاوت باشد. از یک سو این جزیره فقط چهار دهه قبل از ایران جدا و مستقل شده، هنوز تعداد زیادی ایرانی تبار در این کشور زندگی می‌کنند که در سرکوبهای اخیر بی‌نصیب نبوده‌اند. از سوی دیگر ایران دارای پیوندهای اجتماعی و فرهنگی عمیق با جامعه بحرین است. اما از سوی دیگر وضعیت بین‌المللی ایران به گونه‌ای است که در صورت هر گونه دخالت مستقیم در خارج از مرزهای خود با واکنش شدید بین‌المللی روبرو خواهد شد. به همین دلیل است که اپوزیسیون بحرین هم از دهه‌های پیش تلاش داشته خود را مستقل نشان داده و خواستار مداخله ایران نیست. خواسته‌ها و مطالبات مردم بحرین از منظر ارزشها و اصول پذیرفته شده بین‌المللی مشروع و قابل دفاع است. علی‌رغم اتهامات عربستان و حاکمیت بحرین قرائن و مستندات برای اثبات دخالت ایران وجود ندارد و همانطور هم که گفته شد کمیته حقیقت‌یاب بحرین نیز این عدم مداخله را تایید کرده اما پادشاه بحرین به هنگام قرائت گزارش کمیته حقیقت‌یاب، ایران را متهم کرد که از نظر تبلیغاتی بحرین را هدف قرار داده است. مقامهای سیاسی ایران در ماه مارس ۲۰۱۱ در واکنش به ورود نیروهای نظامی عربستان به بحرین تهدید کردند که ایران

دست بسته نخواهد نشست. اما عملاً اقدامی صورت نگرفت. به همین دلیل این انتقاد وارد است که تهدیدی که زمینه عملی شدن نداشت نباید صورت می‌گرفت. ایران از نفوذ در بین مردم بحرین برخوردار است و می‌تواند به عنوان یک بازیگر، جزیی از راه حل باشد و کمک کند که مردم بحرین و حاکمیت این کشور زودتر به یک توافق مرضی الطرفین برسند. ترمیم روابط با عربستان می‌تواند به حل بحران بحرین کمک کند. در هر حال ورود به بحران بحرین به عنوان یک میانجی مستلزم آن است که سیاست عدم مداخله کنونی ادامه یابد و بهانه به دست دیگر طرفها برای به تعویق انداختن حل و فصل بحران داده نشود. بدین ترتیب، سیاست خارجی ایران در قبال تحولات بحرین سیاستی محافظه کارانه بوده و این کشور تلاش داشته است با استفاده از جنبه های نرم افزاری قدرت رویکرد محافظه کارانه تری را در قبال بحرین در پیش گیرد تا خود را از اتهام دخالت در امور داخلی کشور بحرین مبرا سازد.

#### نتیجه گیری

در میان بحرانها و تحولات مختلف جهان عرب در سال ۲۰۱۱، تحولات بحرین به دلایل مختلف از اهمیت خاص و بالایی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. بحرین از نظر ژئوپلیتیکی جایگاه خاصی از منظر جمهوری اسلامی ایران دارد و جزء همسایگان و دارای مرز آبی با ایران است. نکته دیگر این که بحرین در قرون گذشته جزیی از سرزمین ایران و تحت حاکمیت حکام ایرانی بوده است، بخشی از جمعیت آن را ایرانیها تشکیل می دهند و پیوندهای تاریخی مستحکمی بین بحرین و ایران وجود دارد. از این رهگذر، عامل تعیین کننده ی رفتار ج.ا. ایران نسبت به بحرین، فاکتورهای عینی و مادی نیست، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیم بر منافع و هویت ایران اسلامی گذاشته بود. مسأله مهم و تأثیرگذار دیگر در خصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. منافع و سیاست منطقه ای ایران در حوزه خلیج فارس و رقابتهای آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه ای مهم در رویکرد کشور است و به خصوص تهران تحول دموکراتیک در منامه را باعث شکل گیری نوعی از نظام سیاسی در بحرین قلمداد می کند؛ که می تواند روابط مناسب تری را با آن ایجاد نماید. این عوامل باعث شده است تا ایران



نگاه حساس تری به تحولات بحرین داشته باشد و رویکرد فعالانه ای در این خصوص اتخاذ نماید. لذا ایران به حمایت از معترضین بحرینی پرداخت و لزوم توجه حکومت به حقوق و درخواست‌های مردم را مورد تاکید قرار داد و در مراحل بعدی به سرکوب مخالفین از سوی آل خلیفه و به خصوص ورود نیروهای سعودی و اماراتی به بحرین به شدت اعتراض کرد. در مقابل اعضای شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی به طور کامل در کنار حکومت آل خلیفه قرار گرفتند و حمایت همه‌جانبه سیاسی، نظامی و اقتصادی خود از حکومت را به صورت عملی نشان دادند. در واقع جنگ پنهان عربستان سعودی با مشی وهابیت ضد شیعی با ایران در کشورهای نظیر بحرین و سوریه دنبال می‌شود. طبعا حمایت ایران از مخالفین شیعی با توجه به مولفه‌های هویتی و فرهنگی و منافع ملی جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد؛ چراکه به قدرت رسیدن حکومتی شیعی در بحرین بسیار همسوتر با منافع جمهوری اسلامی ایران است تا حکومتی وابسته به غرب و عربستان سعودی.

#### منابع

- ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۶، "سازنده انگاری چهارچوب تئوریک برای فهم سیاست خارجی ایران"، فصلنامه سیاست، سال اول، شماره اول
- اسدی، بیژن، ۱۳۹۱، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ نهم
- اسدی، علی اکبر، زارع، محمد، تابستان ۱۳۹۰، "بحران بحرین: تعارض رویکردهای منطقه ای"، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم
- اسدی، علی اکبر ۳۱ خرداد ۱۳۹۰، «تحولات بحرین؛ ریشه‌ها و بازیگران»، پایگاه پژوهشکده تحقیقات راهبردی
- اسلامی، رضا. ۱۳۷۸، خاستگاه تشیع در بحرین، هفت آسمان، شماره ۲، تابستان
- آدمی، علی، "بحران بحرین و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، بهار ۱۳۹۱
- آدمی، علی، موسوی، سیدمحمدرضا و توتی، حسینعلی، بهار ۱۳۹۱، تحولات انقلابی بحرین و تعرضات مذهبی و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره دهم
- برزگر، کیهان ۱۳۹۰، «ایران و حوادث بحرین»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

- توتی، حسینعلی، دوست محمدی، احمد، ۱۳۹۲، "تحولات بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن"، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۳
- جکسون، روبرت، سورنسون، گئورگ، ۱۳۸۵، *درآمدی بر روابط بین الملل*، ترجمه ذاکریان، تقی زاده و سعیدی کلاهی، تهران: سمت
- خضری، احسان، صفوی، سیدحمزه و پرهیزکار، امین، تابستان ۱۳۹۴، ریشه یابی منازعات ایران و عربستان مطالعه موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی*، شماره بیست و سوم
- خضری، رویا، ۱۳۸۸، "جایگاه فرهنگ در نظریه های روابط بین الملل"، *فصلنامه خط اول*، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز
- سیدنژاد، سیدباقر، ۱۳۸۹، مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه انگاری، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم
- قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۴، *روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها*، تهران: سمت
- کلودزیچ، ادوارد، ۱۳۹۰، *امنیت و روابط بین الملل*، ترجمه نادر پوراخوندی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم
- گفتگو با محمد فرازمنند سفیر سابق ایران در بحرین، ۱۳۹۲، "سیاست خارجی ایران در قبال تحولات بحرین"؛ موضوع نشست گروه مطالعات خلیج فارس"، *پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه*، ۲۵ اردیبهشت ماه.
- مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۵، *تحول در نظریه های روابط بین الملل*، تهران: سمت
- مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۳، "سازه انگاری بعنوان فرانظریه"، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۵، پاییز
- مظفری، فرشته، تابستان ۱۳۸۴، "جایگاه قدرت نرم در استراتژی ج.ا. ایران در عراق جدید"، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره ۸
- ونت، الکساندر، ۱۳۸۴، *نظریه اجتماعی سیاست بین الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- هاشمی نسب، سید سعید، "بحران بحرین"، *پژوهشهای منطقه ای*، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
- هوپیف، تد، ۱۳۸۶، "نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین الملل"، *دراندرو لینکلتر، نواقعه گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

Bronner, Ethan & Slackman, Michael. March 16, 2011. "Saudi Troops Enter Bahrain to Help Put Down Unrest", *New York Times*.

Chulov, M. 2011, Bahrain Doctors Jailed for Treating Injured Protesters Retrieved from *the Guardian*:

- <http://www.guardian.co.uk/world/2011/sep/29/Bahrain-protester-death-sentence>.
- Chubin,s. 1995. *Irans National Security in Geffery kemp and Janice Gross Stein ed power keg in Midle East* , Lanham: Rowman and Little feild publisher Inc.
- Gengler, Justin. 16 May 2011. "How Radical are Bahrains Shia?" CNN Baroud, Ramzy. November 21, 2011. "Syria Uprising Falls Victim to Power Players", *Foreign Policy Journal*.
- Helfont,Samuel 2009; *The Muslim Brotherhood and the Emerging 'Shia Crescent'*, *Foreign Policy Research Institute*.
- Katzenstein,1996, peter and ed,"*the culture of national security: norms and identity in world politics*", Newyork: Columbia university press
- Menashri,D.2007, *Irans Regional Policy: Between Radicalism and Pragmatism*, *Journal of International Affairs*, Vol 60,No 2.
- Nasr, Vali2006; *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*, *the voice for ethnic Carnegie Council for Ethics in International Affairs* October 18, 2006, available at: <http://ccea.org/resources/transcripts/5400.html>
- Protester killed in Bahrain Day of Rage 2011  
*Reuters*:<http://uk.reuters.com/article/2011/02/14/uk-bahrain-protests-idUKTRE71D1G520110214>
- Report of the Bahrain Independent Commission of Inquiry 2011, *Bahrain Independent Commission of Inquiry*: <http://www.bici.org.bh>.
- Tashjian ,Yeghia, 2013, "The Holy Alliance of Gulf Cooperation Council", *Strategic Outlook*, available in: [http://strategicoutlook.org/publications/The\\_Holly\\_Alliance\\_of\\_GCC.pdf](http://strategicoutlook.org/publications/The_Holly_Alliance_of_GCC.pdf)
- Teitelbaum,J. 2011, *Saudi Arabia, Iran and America in the wake of the Arab Spring* *Begin\_Sadat Center for Strategic Studies* Retrieved from [www. Alarabiya-net](http://www.Alarabiya-net)
- Terril , W.Andrew 2011 ,"*The Saudi-Iranian Rivalry and the future of Middle East Security*"
- Valasek, Tomas 2010 *Obama,Rusia and Europe*, *Center for European Reform*
- Went, Alexander. 1994, "*Collective Identity Formation and the International State*" *American PoliticalScience Review* 88